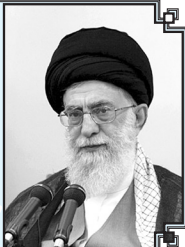


«... دعوای ما دعوی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صفحه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



قوام حیات
معنوی انسان به
تذکر و توسل و
خشوع و ذکر است



سال سی و نهم • شماره ۱ و ۲ • شماره مسلسل ۱۵۹۱ و ۱۵۹۲ • نیمه اول و دوم فروردین ماه ۱۳۹۸ • قیمت: ۵۰۰ تومان

حجت الاسلام والمسلمین شمس:
کتاب سال عاشورا
کار موثری
برای تشویق
مولفین است



آیت الله تسخیری:
شهید صدر
نظریه پرداز
اسلامی و
انقلابی بود



روحانیت و
مرجعیت شیعه
محکم در برابر
استعمار
ایستاده است



حجت الاسلام مختاری:
همه مذاهب
اسلامی
مهدویت را
قبول دارند



از دفتر خاطرات ظریف و بی بدیل

سیدهادی خسروشاهی



پس از دورانی که به عنوان نماینده حضرت امام خمینی (ره) در وزارت ارشاد بودم، به وزارت امور خارجه منتقل شدم و به عنوان یک عضو رسمی به همکاری با آن پرداختم. البته قبل از این مرحله با همه کسانی که ولو چند صبحی در مسند وزارت نشسته بودند، آشنایی یا دوستی داشتم که عبارت بودند از: دکتر ابراهیم بزدی، میرحسین موسوی، صادق قطب زاده، ابوالحسن بنی صدر... پس از این دوران گذار، نوبت تصدی امر به آقای دکتر علی اکبر ولایتی رسید که بیش از یک دهه ادامه یافت و سپس آقایان: دکتر کمال خرازی، دکتر منوچهر متکی، دکتر علی اکبر صالحی و... روی کار آمدند و من در چارچوب امور وزارت، به ویژه بخش فرهنگی آن در داخل و خارج، به نحوی همکاری داشتم. البته نیک و بد این دوران طولانی را که به بیش از یک ربع قرن بالغ می‌شود، در یک یادداشت و یا چند خاطره نمی‌توان تحریر نمود که به قول شاعر:

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد

زمانه را قلم و دفتر و دیوانی است
در این یادداشت، هدم اشاره به وزیر محترمی است که در دوران تصدی او، به علت تقاعد (یا همان بازنشستگی اداری)، همکاری خاصی با وزارت متبوع سابق ندارم؛ ولی او را از زمانی دور دراز به عنوان یک عضو فعال وزارتی می‌شناسم، یعنی او را از زمانی که در سازمان ملل بود، می‌شناسم و پس از مراجعت در دایره حقوقی وزارتی در امور مربوط به اتهام بنده در خصوص رهبری تروریست‌ها که امیر طاهری، عضو رسمی سازمان سیا و مدیر روزنامه کیهان انترنشنال دوره شاه، در روزنامه انگلیسی معروف «سندی تایمز» مطرح کرده بود، مشاورت‌هایی به عمل آمد و از اتهام دیگری نیز توسط ایشان مطلع شدم که گویا این بنده در جریان گم شدن و یا مرگ سرهنگ مسئول اصلی سیا در خاورمیانه در لبنان، نقشی داشتم، از این قرار که گویا نخست آیت الله هاشمی رفسنجانی به آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر دستور می‌دهد که درباره آن سرهنگ آمریکایی اقدامی به عمل آید و آقای موسوی هم موضوع را با این جانب! در میان می‌گذارد، و من هم در لبنان با «عماد مغنیه» ملاقات می‌کنم و او موجب مفقود شدن سرهنگ آمریکایی مسئول سیا در خاورمیانه می‌شود!

یعنی علاوه بر انگلیس پرونده دیگری در آمریکا مطرح می‌شود که بابت خسارت آن هم دادگاه آمریکایی دهها میلیون دلار «دمج» مطالبه کرده و نام حقیر را هم در «رأس قائمه مربوطه» قرار داده است که البته در آن تاریخی که پرونده سازان موضوع را ساخته‌اند، من با آیت الله رفسنجانی و آقای مهندس موسوی تماسی نداشته‌ام و اصولاً در ایران نبوده‌ام و به لبنان هم سفر نکرده بودم، و با شهید حاج رضوان (عماد مغنیه) هم ملاقاتی در آن دوران نداشته‌ام.

این اتهام در نشریه «فاریس ریپورت» با آب و تاب فراوان امنیتی - اطلاعاتی مطرح شد و آقای دکتر محمدجواد ظریف که به طور ظریفانه‌ای بدون آنکه ادعای قاضی آمریکایی را بپذیرد، یکی آن ادعای اتهامات را به این جانب داد که متأسفانه به دلایلی پیگیری قانونی آن در محاکم خارج مقدور نشد؛ ادامه در صفحه ۵

حضرت آیت الله شبیری زنجانی:

عده‌ای برای خود دکان و دستگاهی تدارک دیده‌اند

علمای اهل سلوکی بودند که در حوزه درس اخلاق می‌گفتند؛ هرچند درباره اخلاق نظری، مبانی متفاوتی وجود داشت. در دوره‌ای چهار نفر از بزرگان متکفل تربیت و رشد معنوی طلاب بودند؛ آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی، ملاحسین قلی همدانی، شیخ اسماعیل قره‌باغی و سید مرتضی کشمیری. در دوره‌ای دیگر آقا سید احمد کربلایی و بعد شاگردانشان آسید علی قاضی و آسید عبدالغفار مازندرانی، اکثر این افراد ملا و مجتهد بودند. نقل است که مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی - که خود مرجع تقلید بود - تقلید از آسید احمد کربلایی را جایز می‌دانسته، اما ایشان نمی‌پذیرفته است. خب اینها هم اهل علم بودند و هم اهل اخلاق. در حوزه درس اخلاق می‌گفتند و طلبه‌ها تحت تربیت آنها بودند اما این نسل گویا منقرض شده و دیگر از این افراد در حوزه خبری نیست.



آیت الله شبیری زنجانی در دیدار اعضای بیت آیت الله مؤمن با ایشان، با اشاره به شخصیت علمی آن مرحوم گفت: «متأسفانه در دوره‌های اخیر آن مرتبه‌ای از عشق به علم، زهد و تقوایی که قدمای ما داشتند باقی نمانده است و در این شرایط افراد استثنای نمونه‌های الهی هستند».

این مرجع تقلید خاطرنشان کرد: «مکرر درباره وضعیت علمی حوزه گفته‌ام، اما متأسفانه برخی حتی با علومی که برای حوزه و ملاشدن طلبه لازم است، مبارزه کرده و طلبه را نسبت به آن علوم سست می‌کنند».

به گزارش «جماران»، آیت الله شبیری زنجانی با نقل حکایتی از عشق و علاقه وافر علمای گذشته به مباحث علمی اظهار کرد: «مرحوم شیخ علی محمد نجف آبادی که استاد مرحوم آسید جمال گلیاگانی بوده، در نجف به سلوک و عرفان شناخته می‌شد و عاشق علمیات و کتابخانه‌اش بود. الان این کتابخانه به حسینییه شوشتری‌ها هدیه شده است. مرحوم سید محمد صادق لواسانی از پدرش آقا سید ابوالقاسم که از شاگردان مرحوم آخوند بوده، این داستان را نقل می‌کرد. شیخ علی محمد بیمار می‌شود. آقا سید ابوالقاسم لواسانی برای عیادتش می‌رود. شیخ علی محمد به او می‌گوید من امروز را به پایان نمی‌رسانم اما شنیده‌ام که آخوند خراسانی، کتاب کفایه الاصول نوشته است. مقداری از آن را برای من بگو تا قبل از فوتم آن را شنیده باشم. مقداری از کفایه را برایش می‌گویند و او در همان روز فوت می‌کند».

آیت الله العظمی شبیری زنجانی ادامه داد: «علمای ما این گونه به علم عشق می‌ورزیدند اما الان یک عده‌ای با این آثار مبارزه می‌کنند و عده‌ای بی اطلاع هم تحت تأثیر این سخنان و تبلیغاتشان قرار می‌گیرند». او با انتقاد از رواج برخی روش‌های تصنعی و انحرافی به عنوان سیر و سلوک که از فقاقت و روش علمای سلف فاصله دارند، افزود: «در طول تاریخ حوزه همیشه

آیت الله شبیری زنجانی تصریح کرد: «وجه مشترک تعالیم این بزرگان اخلاق این بوده که کسی که می‌خواهد در اخلاق کار کند باید واجبات را درست انجام بدهد و محرمات را ترک کند. پایه اخلاق و سلوک معنوی، مراقبت در عمل به واجبات و ترک محرمات است که در شریعت آمده است. انسان مراقب باشد غیبت نکند. این کار سنگینی است. ما به این مسئله اهمیت نمی‌دهیم. همه می‌گوییم غیبت گناه کبیره است اما انجام می‌دهیم. ترک غیبت جزء اهم امور است، اما به آن توجه نمی‌کنیم. البته گاهی هم کج سلیقه‌هایی ایجاد می‌شود و در مقابل سیره معصومین علیهم السلام و روش علمای گذشته، عده‌ای برای خود دکان و دستگاهی تدارک می‌بینند، اما آنچه برای ما باید مهم باشد سخنان معصومین علیهم السلام و اجرای آن در جامعه است».

او با تقدیر از تلاش‌های علمی و ساده‌زیستی آیت الله مؤمن افزود: «ایشان استعداد مطلوبی داشت و از این نعمت استفاده کردند».

دعبل: حجت الاسلام والمسلمین سید محمدکاظم شمس، هم خود نویسنده و پژوهشگر است و هم سال‌هاست که در عرصه کتاب‌های دینی فعال است. با او درباره موضوع نشر آثار دینی-عاشورایی و نیز تاثیر جشنواره‌های کتاب به گفت و گو نشستیم؛

وضعیت نشر کتاب‌های عاشورایی در طول ۴۰ سال اخیر چگونه بوده است. یعنی حرف‌های جدید داشته‌ایم یا تکرار مکررات بوده است؟

از نظر کمیت تعداد قابل توجهی آثار عاشورایی وجود دارد، اما از نظر کیفیت متناسب نیست. در این سال‌ها کتاب‌های خوبی منتشر شده، اما نمی‌شود آن تعداد و کمیت را رقم قابل ملاحظه‌ای از نظر نیاز جامعه دانست. برخی کتاب‌ها مانند حماسه حسینی شهید مطهری که سه جلد است، کار تحلیلی خوبی درباره عاشورا انجام شده است. در واقع آثاری که به تحریفات و آسیب‌ها و ضرورت‌های لازم پرداخته شود و یا مواردی که به مقتل‌های صحیح، چه در بخش گزارشگری و چه تحلیل پرداخته شود، آثار اندکی وجود دارد و با آثاری که اهداف امام حسین(ع) از قیام عاشورا تبیین و تحلیل شود، بسیار اندک است و اگر بخواهم آنها را بشماریم، تعداد آنها به بیش از ۱۰ عنوان نمی‌رسد.

مرحوم صاحبی و یا محمد اسفندیاری نیز کارهای خوبی درباره عاشورا و آسیب‌شناسی دارند و یا افرادی نیز در حوزه جامعه‌شناسی کارهای خوبی کرده‌اند که در حوزه مناسک و آسیب‌های مربوط به آن است، هر چند در برخی از آنها افراط‌هایی نیز وجود داشته و برخی از ارزش‌های عاشورا زیر سوال رفته، اما آثار قابل تأملی هستند. در مجموع آثاری که بتواند در جشنواره‌ها بدرخشد و مورد حمایت قرار گیرد، تعداد قابل توجهی نیستند.

در زمینه کتاب‌های دینی با کتاب سازی‌های زیادی مواجه هستیم که فقط امار را بالا می‌برند. آیا می‌شود به نحوی مانع این مسئله شد یا کتاب خوب را از کتاب تکراری جدا کرد؟

ما نمی‌توانیم و بنا نیست که این کار را انجام دهیم و هیچ جا هم چنین رسمی نیست، کاری در این زمینه انجام شود. افراد خودشان کار تألیفی را انجام می‌دهند و این موضوع دستوری نیست. هر چند در برخی موارد مراکز و مؤسساتی که زمینه فعالیت بیشتری در حوزه عاشورایی دارند، خودشان دست‌اندرکار هستند، اما این کارچندان خوب نیست و آسیب‌های خود را خواهد داشت. البته بسیاری از آثار خوب نیز از همین مؤسسات و مراکز بوده است که با توجه به انگیزه‌ها و رسالت‌هایی که داشته‌اند، دست به کارهای پژوهشی و تألیفی زدند، اما هدف این است که نویسندگان بخش خصوصی به این امر تشویق شوند.

نقش جشنواره‌ها و کتاب سال‌ها و

بطور مشخص کتاب سال عاشورایی جایزه دعبل که دو دوره برگزار شده را در ارتقای کیفیت آثار عاشورایی چقدر می‌دانید؟

تشویق ابزارهای گوناگونی دارد که یکی از آنها ابزار حمایتی است و جشنواره‌هایی که برگزار می‌شود از جمله در جایزه کتاب سال عاشورا معرفی آثار از سوی رسانه‌ها نیز بسیار مهم است و در زمینه اطلاع‌رسانی بسیار ضعیف است. در حالی که باید تازه‌های نشر معرفی شوند آثار خوبی معرفی می‌شود و اگر به این آثار جایزه‌های قابل توجهی داده شود تا نسبت به این امر تشویق شوند، راهکار خوبی است. همچنین یکی از کارهایی که باید انجام شود به جای اینکه عنوان کنیم جوایز در سطوح مختلف یک، دو و سه اهدا می‌شود، قدری این بازه را گسترش دهیم. فرض کنید کارهای بسیار شاخص را به عنوان برگزیده ملی معرفی کنیم که بتوان از آنها در سطح ملی حمایت کرد و سپس کارهای تقدیری و قابل توجه معرفی شود. که در این صورت هم بعضی از آثاری که می‌توانند معرفی شوند، این مجال را پیدا می‌کنند و هم مشخص می‌شود که توانسته‌اند در این راه قدری موفق شوند و اشتباهات خود را نیز متوجه خواهند شد. ضمن اینکه به عنوان کارهای درجه یک شناخته نمی‌شوند.

نکته دیگر در این زمینه نقد است و متأسفانه در این زمینه بسیار ضعیف عمل می‌کنیم، یعنی تمام دستگاه‌هایی که در این زمینه متولی هستند، ضعف دارند. یعنی لزومی ندارد که مثلاً بنیاد دعبل فقط کارهای خوب و ارزشمند را نقد کند، کارهای دیگر هم باید نقد شود، آن هم نقد مؤدبانه، تا مشخص شود یک کتاب چه ضعف‌هایی دارد. البته این کار هم باید از سوی مراکز و یا کسانی انجام شود که مورد اعتماد جامعه هستند. چرا که در برخی موارد در فضای مجازی وقتی عنوان می‌کنند که یک کتاب در یک جشنواره مورد توجه قرار نگرفته، در این صورت بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین پس از تشویق، جنبه‌های حمایتی مادی است، چه جوایزی که به صورت مستقیم به ناشر و نویسنده اهدا می‌شود و چه حمایت‌هایی که صورت می‌گیرد تا این کتاب‌ها در کتابخانه‌ها قرار گیرند. از این رو اگر کسی این احساس را داشته باشد که به جای چند ماه و ارائه اثری سطحی، مدت زمان بیشتری را به تحقیق و پژوهش و سپس تألیف اثری ارزشمند صرف کند، در این صورت کتابش بایکوت نمی‌شود و مورد حمایت نیز قرار می‌گیرد.

معرفی آثار از سوی رسانه‌ها نیز بسیار مهم است و در زمینه اطلاع‌رسانی بسیار ضعیف است. در حالی که باید تازه‌های نشر معرفی شوند. به ویژه شبکه‌های اجتماعی این ظرفیت را دارند تا آثار در این فضا به خوبی معرفی شده و جای خود را در میان سایر آثار باز کنند.

به ضرورت حمایت‌های وزارت ارشاد

حجت الاسلام والمسلمین شمس:

کتاب سال عاشورا کار موثری برای تشویق مولفین است

به نظرم برخی گلايه‌ها که در این زمینه وجود دارد، به این دلیل است که کتاب در اختیار هیئت خرید قرار نمی‌گیرد، یعنی ناشران باید این کار را انجام دهند و ممکن است زمانی که ناشر مجوز یک کتاب را اخذ می‌کند، این کتاب را در اختیار وزارت ارشاد قرار ندهد. در واقع این یک کار اختیاری است. بنابراین قطعاً اگر کتابی مفید باشد، مورد حمایت قرار می‌گیرد و اگر کتابی حرفی برای گفتن داشته باشد، قطعاً مورد حمایت بیشتری قرار می‌گیرد.

برخی این نقد را دارند که کتاب‌های دینی و عاشورایی به درستی توزیع نمی‌شود، آیا نظر شما هم همین است؟

مگر ما اصلاً نظام توزیع داریم؟ این از ضعف‌های بزرگی است که در حوزه نشر کتاب وجود دارد. کتابی که منتشر می‌شود باید به دست مخاطب برسد و اگر این گونه نشود، در انبارهای ناشران خواهد ماند و انگیزه‌ای برای نویسنده و ناشر نمی‌ماند که کتابی بنویسد و منتشر کند، توان آن را نیز نخواهند داشت. بنابراین مشکل اصلی توزیع کتاب است و در این راستا دلیل اصلی این است که ما ویتترین کتاب مناسب برای عرضه نداریم و شاید در حوزه کتابهای دین این وضعیت بدتر نیز هست.

جلوی ناشران جاعل و متقلب را که از ترجمه دیگران رونویسی می‌کنند، بگیرد

به نمایشگاه کتاب تهران و نمایشگاه‌های استانی بسته است. جوانی وارد نمایشگاه می‌شود و فقط اسمی از «ربکا» یا «برادران کارامازوف» شنیده ولی نمی‌داند کدام «برادران کارامازوف» را باید تهیه کند!

او اضافه کرد: به این ناشر بگوئید می‌خواهم مترجم شما را ببینم، اگر مترجم داشته باشد باید نسخه اصلی را جلوی آن مترجم گذاشت و ازش خواست دو خط را ترجمه کند و در برخی موارد اصلاً مترجمی وجود ندارد.

وقتی از قدسی خواستیم که برای اصلاح این روند پیشنهاد دهد، گفت: چند سال است می‌گویم یک راه معقول که احتمالاً حواشی بدی خواهد داشت رتبه بندی حوزه نشر به شکل یک امر صنفی است. یعنی ناشران را به درجه یک و دو و سه دسته بندی کنند همانطور که هتل‌ها رتبه بندی می‌شوند؛ البته اعتراض هم ممکن است بلند شود ولی این اتفاق تا حدی می‌تواند ساماندهی‌کننده باشد. این اتفاق سبب می‌شود که لااقل بازدیدکننده مثل اکنون سرگردان نباشد و ناشران ۵۰ درصدی مخاطب سرگردان را شکار نکنند. این ناشر معتقد است ناشران اگر می‌خواهند برای مخاطب فرهیخته تولید محتوا کنند باید دقت کنند و در انتخاب مترجم و دیگر عوامل ریزبینی کنند تا بتوانند ناشر درجه یک بمانند در غیر اینصورت می‌توانند در رتبه‌های بعدی یک بنگاه کسب و کار فرهنگی باشند.

از کتاب‌هایی عاشورایی اشاره کردید، آیا در حال حاضر چنین حمایت‌هایی وجود دارد؟ مثلاً در خرید کتاب‌های از میان آثار عاشورایی ملاک و معیار خاصی وجود دارد؟

تمامی موضوعاتی که نیاز است در کتابخانه‌ها باشند و مفیدند تهیه می‌شوند. با اطلاعی که از هیئت‌های خرید دارم، به دلیل اهمیت موضوع و به دلیل اهمیتی که وزارت ارشاد در زمینه مسائل دینی به ویژه عاشورا دارد، این کتاب‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند و در صورتی که هیئت خرید به جمع بندی برسد که یک کتاب حرف تازه‌ای برای گفتن دارد و دچار تکرار مکررات نشده، انتخاب لزومی ندارد که بنیاد دعبل فقط کارهای خوب و ارزشمند را نقد کند، کارهای دیگر هم باید نقد شود، آن هم نقد مؤدبانه، تا مشخص شود یک کتاب چه ضعف‌هایی دارد و حمایت می‌شود. گرچه در این زمینه امکانات و منابع نسبت به سال‌های گذشته محدود است، اما این حمایت‌ها وجود دارد و حداقل ۳۰۰ نسخه از یک کتاب خوب خریداری می‌شود که این تعداد خرید هم به منابع وزارت ارشاد وابسته است و هم شمارگان کتابها که در حال حاضر این تعداد بسیار کاهش یافته است.

فارس: عایس قدسی مدیر انتشارات سپیده باوران در ارتباط با مسئله ترجمه و گسترش ناشران جعلی که آثار ترجمه‌ای منتشر می‌کنند معتقد است باید جلوی ناشران تقلبی را گرفت. وی می‌گوید: علیه نهضت ترجمه اگر قرار باشد حرف بزیم که کار خوبی نیست ولی درباره ترجمه‌هایی که خاستگاه روشنی ندارد من سال‌ها است حرف می‌زنم.

وقتی از او درباره آثار ترجمه‌ای و سیل رو به افزایش ناشرانی که از راه رسیده مشغول کار ترجمه شده‌اند، سوال می‌کنیم می‌گوید: درباره ناشرانی که ترجمه اول منتشر می‌کنند هیچ راهی وجود ندارد، ولی با جاعلان و متقلبان آثار ترجمه‌ای می‌شود برخورد کرد. هرچند ما تا کپی رایت را نپذیریم راهی نداریم و هرکس که بتواند می‌رود کتاب را پیدا می‌کند و ترجمه می‌کند ولی وقتی این قانون اجرا شود هر کسی نمی‌تواند دست به ترجمه کتاب بزند زیرا باید برای تهیه حق رایت یک کتاب هزینه کند.

او معتقد است که باید آب از سرچشمه بسته شود و با ناشرانها برخورد شود: می‌گویند «ای سلیم آب ز سرچشمه بیند!» با این ناشران تقلبی باید برخورد شود و اگر جلوی آنها گرفته شود وسعت این نمایشگاه به یک سوم کاهش پیدا می‌کند.

مدیر نشر سپیده باوران می‌گوید: اول از همه باید جلوی ناشری که از روی ترجمه دیگران رونویسی می‌کند را گرفت که گرفتن جلوی این مسئله کاری ندارد زیرا هیچ کتابفروش عاقلی از این کتب نمی‌فروشد مسئله حیات این ناشران

رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: استعمار جدیت‌رین عامل در این میان است، ولی نتوانسته به همه اهداف خود برسد. افرادی مثل ملک خان، آخوندزاده و تقی زاده و امثال آنها، ایرانی‌ها را مسخره کردند. شعائر را مسخره کردند که تا الان هم این رویکرد ادامه یافته است.

وقتی به تشیع می‌رسند کینه آنها خیلی بیشتر می‌شود. استعمار و عوامل استعمار و جریان روشنفکری به شیعه کینه بیشتری دارند چون در شیعه، ولایت وجود دارد. بنابراین از نظر آنها شیعه منحط‌ترین فرقه است. غرب نابودی ایران را در دستور کار خود دارد و پیشبرد این راه را در استعمار ایران می‌بیند. چنانچه انگلیسی‌ها، روس‌ها و ... در طول تاریخ با تمامیت ایران مشکل داشته‌اند و برای این کار به هر دری زده‌اند. بنابراین بعضی به دنبال این هستند که ایران در نظام بین المللی ادغام شود در حالی که روحانیت و مرجعیت شیعه محکم در برابر استعمار ایستاده است. با این کینه بود که شیخ فضل الله نوری را به شهادت رساندند و تهدید کردند که این سرنوشت همه شماست که اگر بخواهید ایستادگی کنید در برابر استعمار، نابود خواهید شد.

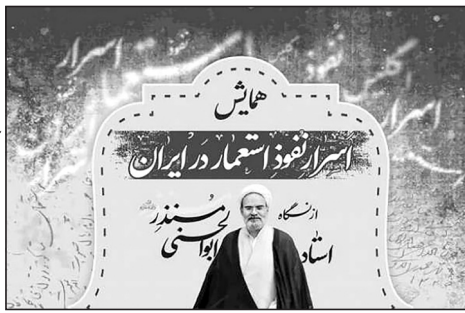
وی در پایان سخنان خود تصریح کرد: هم استعمار و هم جریان روشنفکری در ایران کاملاً در تقابل با مرجعیت شیعه، استقلال ایران و صیانت از سرزمین‌های اسلامی هستند. مرحوم ابوالحسنی با هر دو سنخ روشنفکری در ایران درگیر بود چه دینی و چه غیردینی. چون اینها مشترکاتی دارند. یکی اینکه هر دو شریعت سنیز هستند. تقریباً در همه جریاناتی که ما به طور کلی به عنوان جریان روشنفکری از آنها یاد می‌کنیم این موضوع دیده می‌شود. وظیفه ما این است که در ترویج اندیشه ایران باور و تشیع باور و اسلام باور و استعمار سنیز دریغ نکنیم.

روحانیت و مرجعیت شیعه محکم در برابر استعمار ایستاده است

در ادامه این مراسم موسی حقانی، رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران به ذکر سخنانی درباره حجت الاسلام علی ابوالحسنی پرداخت و گفت: ابوالحسنی جلسات مفصلی در خصوص تاریخ قاجار و تاریخ غرب داشته که نوارها و آثار آن موجود است. اگر ساعت‌ها برای مطالعه این آثار و دیدگاه‌ها وقت صرف شود، باز هم جا دارد که اهتمام ویژه در این زمینه داشته باشیم.

وی افزود: ابوالحسنی چند ویژگی برای روحانیت شیعه بر می‌شمرد که می‌توان از آنها به عنوان اصول شیعه یاد می‌کرد. این هفت اصل در رفتار سیاسی و فرهنگی مرجعیت شیعه حاکم بوده است که شامل صیانت از تشیع، صیانت از ایران، مبارزه با استثمار و استبداد، دفع افسد و فاسد و ... می‌شود. اگر کسی به این اصول مسلط نباشد نمی‌تواند رفتار شیعه را در تاریخ به خوبی تحلیل کند.

موسی حقانی همچنین با بیان اینکه اکنون دغدغه صیانت از مسلمین و مسلمانان را در جهان داریم و همین بهایی است که برای حمایت از کشورهای مسلمان می‌دهیم، ادامه داد: این امر مبتنی بر همین قاعده صیانت از تشیع در جهان است. ما می‌توانیم بر اساس این اصول رفتار روشنفکران را در ایران بسنجیم و و رفتار استعمار و رفتار روشنفکران در این خصوص مورد بررسی قرار داده و به تحلیل رفتار غریب‌زدگان و روشنفکران بپردازیم. در مقابل رفتار شیعه، هم غرب وجود دارد و هم جریان روشنفکری. استعمار در برخورد با اسلام دو رویکرد دارد: یکی روش سنخ و دیگری روش سنخ. در روش سنخ، اسلام را یک دین ارتجاعی می‌دانند. این سیاست سنخ است و سیاست سنخ با این صراحت نیست ولی هر دو یک هدف دارند. در سیاست سنخ با صراحت جلو نمی‌آیند و بهتر می‌بینند که مسائل را دگرگون کنند که با تحریف و جعل مفاهیم صورت می‌گیرد.



است و تا منشأ عالم و آدم را نشناسیم استعمار را هم نخواهیم شناخت و معتقد بود اومانیسیم مقدمه امپریالیسم است. این نسبت، وجه فلسفی استعمار را نشان می‌دهد. کتاب لیبرالیسم و امپراطوری، تألیف «اودی سینگ مهتا» که پیوند امپریالیسم را با استعمار بیان کرده به این امر می‌پردازد که چطور اومانیسیم به امپریالیسم منتهی می‌شود. لذا مرحوم ابوالحسنی می‌گفتند لازمه ذات امپریالیسم، اومانیسیم و برخاسته از اهداف آن است. ماهیت استعمار، ماهیت صلیبی است و بعد اسلام ستیزی آن جهاد صلیب و کلیسا است که با فرمان پاپ حرکت کردند و برای تسخیر کشورهای اسلامی آمدند. دقیقاً سیر حرکت استعماری تاریخی که از پرتغالی‌ها شروع می‌شود و به سواحل جنوب هند می‌رسد و از آنجا به خلیج فارس می‌آیند و بندر هرمز را می‌گیرند. انگلیسی‌ها، هند را تسخیر می‌کنند و از این سو در جهان اسلام نفوذ می‌کنند.

حجت الاسلام ابوالحسنی افزود: برای غارت ثروت‌ها به برده کشی ملت‌های شرق می‌پردازند و در این میان نقش ایران یک نقش کلیدی است. اگر تحول در ایران ایجاد شود، کلید انقلاب شرق است و برای انقلاب شرق، روسیه باید اول، ایران را تسخیر کند. از اینجا بود که استعمار به طور ویژه روزه‌های نفوذ را در ایران ایجاد کرد. ابعاد نفوذ در آثار ابوالحسنی مختلف است که از اولین روزه‌های نفوذ، بعد نظامی آنها است. روزه‌های نفوذ در آثار ابوالحسنی بسیار زیادند و یکی از مظاهر آن نفوذ در ظواهر مردم ایران است.

خبرگزاری مهر: نشست علمی «غریب‌زدگی و نفوذ استعمار در ایران»، همزمان با سالگرد بزرگداشت تاریخ نگار و پژوهنده معاصر، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین علی ابوالحسنی (منذر) در مؤسسه سرچشمه برگزار شد. حجت الاسلام صادق ابوالحسنی در این مراسم از علی ابوالحسنی به عنوان یک اندیشمند بزرگ در تاریخ و تاریخ نگار و برجسته یاد کرد که عملاً جزو پدیده‌های روزگار به شمار می‌رفت و در عین خاکی بودن، افلاکی بود.

وی یکی از ویژگی‌های مرحوم منذر را ژرفای دانش دشمن شناسی در نگاه و آثار ایشان دانست و افزود: یک ویژگی مهم ایشان این بود که سینه‌اش آکنده از اسرار تاریخ بود و در عین حال غیرت یک عالم را داشت. اسرار مهم تاریخ ایران و تاریخ تشیع که بعضی از آنها را در عمر کوتاه خود به سینه تاریخ سپرد، اما بسیاری از اسرار تاریخ را در سینه خود مدفون گذاشت.

ویژگی شجاعت، غیرت دینی و تسلط نسبت به امور فکری و تاریخی، ترسی در جبهه باطل نسبت به ایشان ایجاد کرده بود به طوری که بارها مورد تهدید و ترور قرار گرفت، اما ایستادگی کرد.

وی در ادامه سخنان خود به سیاست ماهیت استعمار در اندیشه ابوالحسنی اشاره کرد و افزود: این اندیشه سه لایه دارد. یکی بحث نگرش قرآنی، دوم بحث پیوند وجه فلسفی و سیاسی در غرب و سوم سیر حرکت تاریخی استعمارگران در اندیشه مرحوم ابوالحسنی است که آیات قرآنی بسیاری قابل تطبیق در جریان استعمار در این زمینه وجود دارد. مرحوم ابوالحسنی معتقد بود امروز آمریکا و استثمارگران نسبت به اسلام و ایران شیعی دقیقاً همین نوع نگاه عنکبوت به حشره را که در قرآن از آن یاد شده است، دارند. این نوع نگاه، نگاه عنکبوت به طعمه و شکار خود است. ابوالحسنی می‌فرمودند ایران ظرف است و شیعه مظلوف. وی معتقد بود که استعمار هم مظلوف

تولد «یحیی» در عصر بی کتابی

۱۰ سال که کار را شروع کردم کمتر شعر می‌گویم. هادی جانفدا نیز در این مراسم گفت: چند وقت پیش با یکی از مسئولین فرهنگی کشور صحبت می‌کردم؛ بر این مبنا که طی چند سال اخیر ما در حوزه اهل بیت (ع) شاید ۱۰ مجموعه مستقل نداشته باشیم اما تولد «یحیی» در این بی‌کتابی اتفاق مبارکی است. اسماعیل آذر نیز در جملاتی کوتاه گفت: آقای برقی بسیار فعال است و همواره به سمت جلو حرکت می‌کند.

حمیدرضا برقی نیز در پایان مراسم اظهار داشت: اشعاری که در این مجموعه چاپ شده منهای سه یا چهار شعر تماماً اشعاری هستند که بارها در فضای مجازی آنها را شنیده‌اید. اما لطف این کتاب این است که همه اشعار را در یک مجموعه می‌بینید. حتماً نواقصی دارد که اگر ایرادی باشد در چاپ‌های آتی تصحیح خواهد شد.

در انجمن‌ها همچنین جلسات پنجره طی سال‌های مختلف فعال بوده که این‌ها بخشی از کارنامه درخشان او است. پرویز بیگی حبیب‌آبادی، مدیر انتشارات فصل پنجم در این مراسم اظهار داشت: پنج مجموعه از اشعار حمیدرضا برقی منتشر شده که هر پنج مجموعه از سوی فصل پنجم روانه بازار کتاب شدند. ما در تلاش هستیم که پنج مجموعه در یک قاب با عنوان «پنجره مجال» انتشار یابد. اما نمی‌دانم این اثر به نمایشگاه کتاب می‌رسد یا نه. هرچند انتشار این آثار از سوی انتشارات ما توفیقی محسوب می‌شود.

وی در پایان سخنان خود به چاپ ۸۱۰ مجموعه طی ۱۰ سال از سوی فصل پنجم اشاره کرد که تماماً در حوزه شعر بوده است و گفت: انتشار این میزان اثر در حوزه شعر کار سنگینی است و البته از سوی دیگر هم طی این

توحید، اخلاق، معرفت، عرفان و ... به طور کلی جنبه‌های بیداری و رهایی اجتماعی و در نهایت شعر ولایی. ما در آثار برقی این قطعه از پازل شعر آیینی را بیشتر می‌بینیم که دلربایی می‌کند. البته او آثار خوب اجتماعی هم دارد، اما در شعر ولایی انصافاً آثارش با مجموعه‌های قبلی متمایز بوده و رشد و تکامل در آن مشخص است.

وی افزود: امیدوارم در ادامه این مسیر قدسی نفحات عیسوی ائمه معصومین بیش از گذشته مددکار ایشان باشد. زیرا شعر آیینی خصوصاً شعر ولایی ما ارزشمند است. حجت الاسلام جواد محمدزمانی در این مراسم اظهار داشت: یکی از بهترین شاعران جوان روزگار ما در عرصه شعر آیینی و غیر آیینی سیدحمیدرضا برقی است و در عرصه‌های رشد شعر طی سال‌های مختلف از قبیل کنگره‌ها، محافل و فعالیت

آیین رونمایی از پنجمین مجموعه شعر سیدحمیدرضا برقی با عنوان «یحیی» با حضور شاعران برگزار شد.

محمدعلی مجاهدی در این مراسم اظهار داشت: خدا را شکر که امروز باز هم در محفلی افتخار حضور دارم که در آن اثر جدیدی از سیدحمیدرضا برقی رونمایی می‌شود و با توفیقی که در کتاب داشتیم، می‌توانم بگویم نسبت به سایر آثار وزین و متین‌تر و مسیر تکاملی شعر ایشان را در این اثر شاهد هستیم. به گفته وی، خط فکری برقی یک خط مشی مشخص است و در ادامه آن تفکر ولایی در آثار برقی مشهود است.

مجاهدی بخش دیگری از سخنان خود را به شعر آیینی اختصاص داد و گفت: قلمرو شعر آیینی بسیار پررمز و راز و با قلمرو مطلق شعر فارسی متفاوت است. ما در شعر آیینی با مقوله‌های بسیاری سروکار داریم؛ همچون

تصحیح مستند تاریخ

سید هادی خسروشاهی

یک نسخه رونوشت اساسنامه موسسه مورد بحث را جهت انعکاس در پرونده وی به این بخش ارسال نمایید.

از طرف رئیس بخش ۳۱۶ - باصری نیا
۱۹/۲/۱۴۵۹۰/۲۱۶

علاوه بر اینها و چندین سند دیگر، آیت

خواهشمند است دستور فرمایید نظریه آن سازمان را نسبت به عضویت نامبردگان در مؤسسه مورد بحث به شهربانی کل کشور اعلام دارند.

رئیس شهربانی کل کشور، سرلشکر مبصر از طرف سرتیپ صمدیانپور

علاوه بر این سند نخستین رئیس

شهربانی کل کشور با

امضای سرلشکر مبصر از

طرف تیمسار صمدیانپور،

رئیس کل شهربانی، که

درخواست‌کنندگان تأسیس

مؤسسه حسینییه ارشاد را

معرفی می‌کند، چندین سند

دیگر که بین ادارات مختلف

«ساواک» بین مسئولین

مربوطه در رابطه با تأسیس

حسینییه رد و بدل شده اسامی

مؤسسان اصلی حسینییه آمده

است که جای هیچ شک

و تردیدی در نقش اصلی و

اساسی شهید آیت الله مطهری

را باقی نمی‌گذارد.

به عنوان نمونه دو سند را

نقل می‌کنیم تا روشن شود

که ادعاهای آقای میناچی،

منقول در مقاله «سازندگی»

عاری از صحت و دور از واقعیت بوده است:

سند دوم:

از بخش ۳۲۱ نخست وزیری

شماره ۵۱۲۵ سازمان اطلاعات و امنیت

کشور

تاریخ ۲۸/۱/۴۶

به ریاست بخش ۳۱۶

درباره شیخ مرتضی مطهری

نامبرده بالا به اتفاق آقای

ناصر میناچی مقدم و محمد

همایون از طریق شهربانی

تقاضای تأسیس مؤسسه خیریه

تعلیماتی و تحقیقاتی علمی و

دینی حسینییه ارشاد را نموده

است لذا خواهشمند است دستور

فرمایید با توجه به پرنده م. ط /

۱۲ که مربوط به مشارالیه می

باشد در این مورد نظریه اعلام

فرمایید.

رئیس بخش ۳۲۱ معینی

۲۸/۱/۴۶

سند سوم:

از بخش ۳۱۶ سازمان

نخست وزیری

اطلاعات و امنیت کشور به

ریاست بخش ۳۲۱

درباره شیخ مرتضی مطهری فرزند شیخ

حسین

عطف ۵۱۲۵/۱۴۶/۲۸

تأسیس مؤسسه خیریه تعلیماتی و

تحقیقات علمی و دینی حسینییه ارشاد

توسط نامبرده بالا از نظر بخش ۳۱۶ بلامانع

می‌باشد. خواهشمند است دستور فرمایید

حسینییه ارشاد» همان مطالب قبلی، با الفاظ و عباراتی جدید و با استناد به افاضات بی‌پایه و اساس آقای ناصر میناچی مقدم تکرار شده بود... و در هر دو مقاله سازندگی چنین نتیجه‌گیری به عمل آمده بود که فقط این دو بزرگوار - همایون و میناچی - مؤسسان اصلی حسینییه تعلیماتی و تربیتی و تحقیقاتی علمی و دینی بوده‌اند و گویا آیت الله شهید مطهری هیچ نقشی در آن نداشته است اما اسناد رسمی چنین نمی‌گوید. سند نخستین تیمسار صمدیانپور به ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور را بخوانید که می‌نویسد:

به: تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

تاریخ: ۴۵/۱۲/۱۴۰

از: شهربانی کل کشور (اداره اطلاعات)

شماره: ۶۵۲۵-۱۲-۶۹

درباره: مؤسسه خیریه تعلیماتی و تحقیقات علمی و دینی حسینییه ارشاد آقایان مشروحه زیر:

۱. محمد شهرت همایون فرزند حبیب اله دارای شناسنامه شماره ۱۱۵۹۶ صادره از تهران شغل بازرگان ساکن خیابان خواجه نصیر طوسی پلاک ۲۷۰.

۲. مرتضی شهرت محمدحسین دارای شناسنامه شماره ۲۲۳۳ صادره از مشهد شغل معلم دانشگاه تهران ساکن قلهک، خیابان دولت پلاک ۱۶۴.

۳. ناصر شهرت میناچی مقدم فرزند باقر دارای شناسنامه شماره ۸۶۷ صادره از تهران شغل وکیل دادگستری ساکن جاده قدیم شمیران ایستگاه چالبرز خیابان شهزاد پلاک ۲۵. تقاضای اجازه تأسیس و تشکیل مؤسسه (خیریه) تعلیماتی و تحقیقات علمی و دینی حسینییه ارشاد (را نموده که سوابق آنان بررسی پیشینه

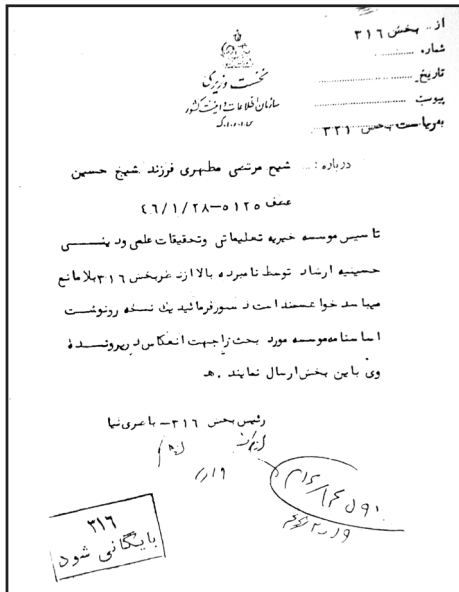
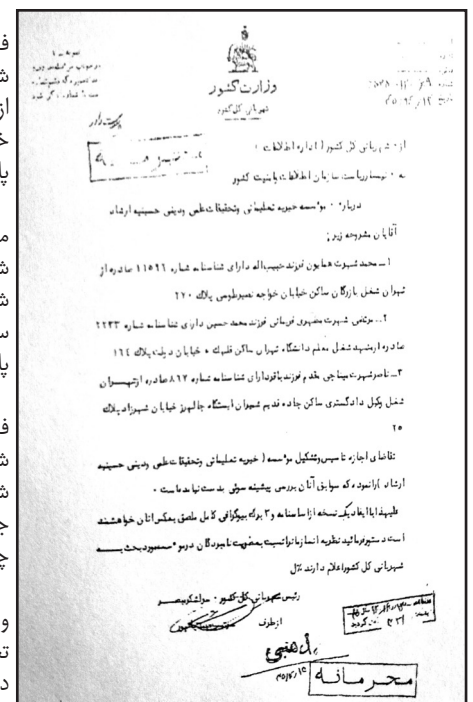
سوئی به دست نیامده است.

علیهذا با ایفاد یک نسخه از اساسنامه و برگ بیوگرافی کامل ملصق به عکس آنان

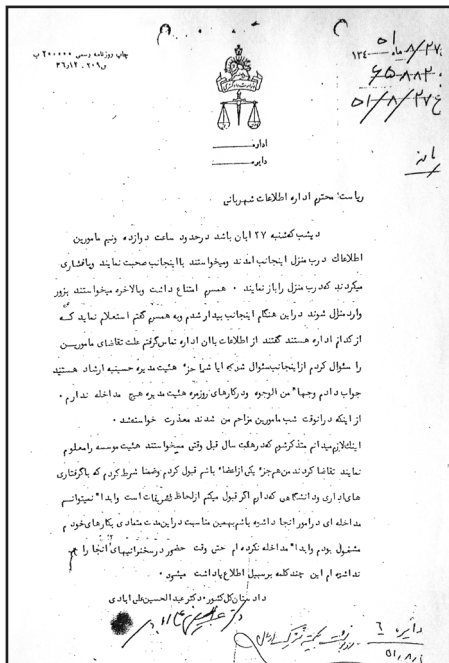
بسمه تعالی

جناب آقای محمد کوچانی حفظه الله با سلام و درود محترماً اشعار می‌دارد:

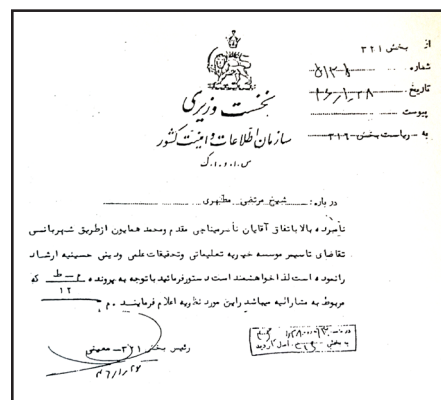
در روزنامه «سازندگی» شماره ۲۸۷ مورخه ۷ بهمن ۹۷، صفحه ۱۱، مقاله‌ای تحت عنوان: «پایگاه روشنفکران انقلابی» و نگاهی به فعالیت‌ها و تأثیرات حسینییه ارشاد بر فضای سیاسی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ درج شده بود که گویا به بهانه «درگذشت مؤسسان آن محمد همایون و ناصر میناچی» به تحریر درآمده بود. که با این عنوان هدف از نشر آن روشن بود: معرفی کردن مرحوم محمد همایون و آقای ناصر میناچی مقدم به عنوان مؤسسان اصلی حسینییه ارشاد. در صورتی که این ادعا با واقعیت‌ها سازگار نیست و کسانی که از آغاز امر در جریان تأسیس و تکامل مؤسسه خیریه تعلیماتی و تحقیقاتی علمی و دینی حسینییه ارشاد بودند می‌دانستند که مؤسس اصلی حسینییه ارشاد، شهید آیت الله مرتضی مطهری بود و گر نه دو فرد دیگری که یکی



الله شهید مرتضی مطهری خود شخصاً و صریحاً به اینجانب گفت که: مؤسس اصلی حسینییه ارشاد من بودم و به پیشنهاد من آقای همایون که صاحب فرزند نبود به



میدان آمد تا از خود باقیات الصالحاتی به یادگار بگذارد و آقای ناصر میناچی مقدم که وکیل دعاوی در دادگستری بود و امور حقوقی شرکت بازرگانی آقای همایون را اداره می‌کرد، برای کمک به حل مشکلات اداری و قانونی احتمالی به همکاری دعوت شد که نامبرده هم آن را پذیرفت... ادامه در صفحه بعد



ظریف و بی بدیل

ادامه از صفحه اول

برخلاف پیگیری اتهام روزنامه «ساندی تایمز» که با محکومیت آن پایان یافت و مدیر روزنامه ضمن عذرخواهی رسمی در روزنامه خود، کلیه هزینه های وکیل و دادگاه به اینجانب پرداخت نمود به اضافه مبلغی که به عنوان «دمج» توسط سفارت ایران در لندن، پس از حکم رسمی دادگاه پرداخت گردید.

... هنگامی که آقای دکتر محمدجواد ظریف به وزارت رسید، بنده به روش همیشگی خود ادامه دادم و آن این است که اگر کار ضروری و واجب نداشته باشیم، به دیدار این دوستان که تازه مسند نشین شده اند، نروم؛ به همین دلیل به دیدن

ادامه از صفحه قبل

شهید مطهری در مکتوبی که کپی آن در نزد اینجانب موجود است و من قبلاً آن را در زمان حیات آقای ناصر میناچی مقدم در پاسخ نامبرده منتشر ساختم، رسماً می گویند که «بانی و مؤسس اصلی حسینیه اینجانب بود ولی آقای میناچی به هنگام ثبت رسمی مؤسسه، ناگهان نام مرا حذف کرده و بدون اطلاع من آقای عبدالحسین علی آبادی دادستان کل کشور را به جای من به اداره ثبت معرفی کرده است و عجیب آنکه آقای علی آبادی به نوشته خود هیچگونه دخالتی در امور حسینیه از آغاز تا انجام نداشته و آن را به عنوان تشریفات قبول کرده است... قسمتی از نامه ایشان بقرار زیر است:

...اینک لازم می دانم متذکر شوم که در هفت سال قبل وقتی می خواستند هیئت مؤسسه را معلوم نمایند تقاضا کردند من هم جزء یکی از اعضا باشم قبول کردم و ضمناً شرط کردم که با گرفتاری های اداری و دانشگاهی که دارم اگر قبول می کنم از لحاظ تشریفات است و ابداً نمی توانم مداخله ای در امور آنجا داشته باشم. به همین مناسبت در این مدت متمادی به کارهای خود مشغول بودم و ابداً مداخله نکرده ام حتی وقت حضور در سخنرانی های آنجا را هم نداشته ام. این چند کلمه بر سبیل اطلاع یادداشت می شود.

داستان کل کشور دکتر عبدالحسین علی آبادی

... این نکات البته خلاصه ای از حقایق تاریخی معاصر بود که جهت تصحیح مطالب منتشر شده در «سازندگی» نوشته شد و مشروح جریانات در خاطرات حقیر درباره شهید آیت الله شیخ مرتضی مطهری و حسینیه ارشاد، همراه با اسنادی بسیار، آمده است که امیدواریم به یاری حق، به زودی چاپ شود.

قم: مرکز بررسی های اسلامی
۱۴ اسفند ۹۷

آقای دکتر ظریف نرفتم و ایشان را تنها یک بار آن هم در مراسم افتتاح «مرکز اسناد قدیمی در وزارت امور خارجه» در دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی دیدم که به هنگام اهدای جوایز و هدایا، بنده را هم دعوت کردند که در کنارشان حضور داشته باشم.

به رغم همه دوری های ظاهری، ما از دوران نزدیک بودیم، نه از نزدیکان دور! در واقع در همه امور بنا بر علاقه شخصی خودم، پیگیر مسائل مربوطه بوده ام به ویژه در موضوع «برجام» همواره از خدای بزرگ مسئلت داشتم که توفیق پیروزی را به آقای ظریف در به انجام رساندن این خدمت بزرگ به ملت ایران نصیب گرداند و به یاری حق در این معرکه تاریخی، پیروزی به دست آمد؛ گرچه بعضی از دوستان بی انصاف در ایران، این امر را بهانه ای برای هجمه به ایشان و دولت دکتر حسن روحانی قرار داده اند که شاید بعضی از آنها اصولاً ندانند که برجام چیست: نوشیدنی است یا پوشیدنی؟! و یا تلفظ FATF را بلد نباشند!... پس از خیانت کاباره دار آمریکایی به نام دونالد ترامپ و پس گرفتن امضای رسمی دولت آمریکا از قرارداد پنج به علاوه یک، این

دوستان به جای حمله به امپریالیسم آمریکا، برادر عزیزمان دکتر ظریف را مورد هجمه قرار دادند که چرا چنین شده است؟!

من البته کم و بیش از علل حملاتی که به دولت و خاصه آقای دکتر ظریف در داخل به عمل می آید، آگاه هستم؛ ولی تلاش بی وقفه «فرزند متدین و متشرع انقلاب» به تعبیر رهبری. ادامه یافت و چون او به وظیفه و تکلیف خود عمل کرده بود، از هیچ چیزی هراس نداشت، زیرا که هدف ادای تکلیف بوده که انجام گرفته بود.

و اما استغای ناگهانی دکتر ظریف که موجب راحت شدن خیال بنیامین نتانیاهو. سرکرده رژیم صهیونیستی. گردید، در همه محافلی که با آنها آشنایی و ارتباط دارم و یا از دور با افکار و عقاید آنها آشنا هستم، با واکنش های گوناگون روبرو گردید و اکثریت قریب به اتفاق، خواستار بازگشت ایشان و ادامه راه بودند، به استثنای چند دوست بی انصاف یا غیراگاهی که یا خوشحال گشتند و یا ممنوع الخروج شدن دکتر ظریف را خواستار شدند!

من با شناختی که تقریباً از همه رجال معاصر دارم، بدون مدهانه و مبالغه،

آیت الله شیخ عیسی قاسم:

مستضعفان باید به امام عصر خود تمسک بجویند

بالندگی روحی است ولی شاهد هستیم که امروز انسان از انسانیت خود بسیار به دور می باشد.

رهبر شیعیان بحرین، دلیل خلقت انسان را عبادت خدا دانست و افزود: دلیل تباهی و انحطاط انسان از وظیفه خود دوری از خدا و انحراف از راه الهی و حکومت طاغوت بر زمین است.

وی با بیان اینکه تمدن مادی باعث دوری انسان از وظیفه جانشینی انسان برای خدا شده است، گفت: راه حل بازگشت انسان به انسانیت خود، نزدیکی او به خدا و پیروی از امامی است که جاهلیت در آن تأثیری ندارد، از راه اسلام به اندازه بند انگشتی منحرف نمی شود.

انقلاب جهانی مهدی (عج) دنیا را فتح می کند

آیت الله شیخ عیسی قاسم در ادامه گفت: حضرت مهدی (عج) از منتظران خود انتظار دارد که صلاحیت انجام وظایف این انقلاب جهانی را داشته باشند، دولتی که تحت رهبری الهی خواهد بود.

وی با تأکید بر اینکه خداوند اسلام را برای ما آورده و امام منجی را برای ما قرار داده است اظهار داشت: برای نصرت اسلام، تنها آمادگی ما برای سربازی امام زمان (عج) باقی مانده است.

روحانی برجسته بحرینی تأکید کرد که «در صورتی که انقلاب را از داخل خودمان آغاز کنیم، آنگاه می توانیم به عزت و کرامت امت اسلامی برگردیم». وی که در آئین ویژه برنامه نیمه شعبان در مسجد مقدس جمکران سخنرانی می کرد،

افزود: باید در برابر مستکبران و طاغوتیان اراده آنها که تنها به دنبال تباهی انسان است، ایستاد چرا که جز در برابر خدا نباید در برابر احدی خضوع کرد.

وی خطاب به مستضعفان عالم گفت: ای مستضعفین زمین! امام، منجی، رهبر و موعود خود را بخواهید، امامی که در سایه او هیچ مشکلی باقی نخواهد ماند.

آیت الله شیخ عیسی قاسم با تأکید بر ضرورت ارتقای بصیرت و قوای جسمی و ذهنی شیعیان اظهار داشت: باید در همه ابعاد زندگی خود قدرتمند شویم تا ظالمان را نابود کرده و زمینه سازی ظهور را محقق نماییم.

تمدن مادی انسان را به تباهی کشیده است

وی در ادامه گفت: انسان بزرگترین موجود در زمین است و مسئولیت آن؛ خودسازی، ساخت و آبادانی زمین، رشد و



العالم: آیت الله شیخ عیسی قاسم رهبر معنوی شیعیان بحرین در مسجد مقدس جمکران قم به مناسبت فرار رسیدن میلاد امام مهدی (ع) و نیمه شعبان سخنرانی کرد.

وی گفت که «انسان امروز از انسانیت و مسئولیت مقدس

خود دور شده است و خداوند متعال راه حل این مساله را در دین و امامت که انسان ها به این دو نیاز دارند، قرار داده است».

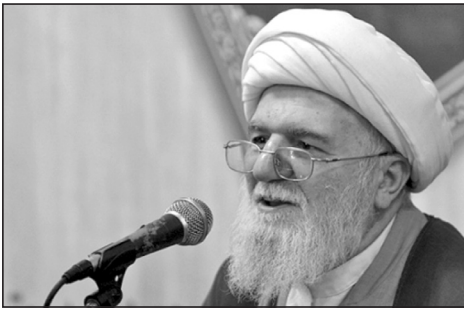
رهبر معنوی شیعیان بحرین اظهار داشت که «راه درست انسان ها برای بازگشت به انسانیت، تبعیت و پیروی از امام معصوم است».

آیت الله شیخ عیسی قاسم تأکید کرد که «ما نباید در برابر طاغوتی ها تسلیم شویم، بلکه تسلیم شدن ما فقط باید در برابر خداوند متعال باشد».

وی افزود: «باید رشد و آگاهی جوامع بشری افزایش پیدا کند تا زمینه برای حکومتی که امام زمان (ع) آن را برپا می کند، فراهم گردد».

آیت الله شیخ عیسی قاسم در ادامه گفت که: «مردم امام مهدی (عج) را فقط می توانند از راه شناخت رسول الله (ص) و امام حسین (ع) بشناسند».

شهید صدر نظریه پرداز اسلامی و انقلابی بود



اصول و قسمت زیادی از فقه را خدمت ایشان خواندیم، غیر از درس هایی که مرحوم شهید در تعطیلات می گفتند که آن درس ها هم کمتر از بحث های عادی طول سال نبود.

بحث هایی که ایشان در تفسیر موضوعی می گفتند، حتی در تفسیر دنبال تئوری می گشتند. ایشان می فرمودند دو نوع مفسر موضوعی قرآن داریم، یک نوع این است که مفسر می آید هر چه درباره ی مفردات قرآن یا آیه به آیه قرآن است، جمع می کند یا حتی اگر بخواهد یک موضوعی را از قرآن بررسی کند، در چارچوب همان موضوع می ماند. ولی یک مفسر دیگری هست که می خواهد تئوری به دست بیاورد، می خواهد نظریه ی اجتماعی را به دست بیاورد، این مفسر قبل از اینکه وارد بحث قرآنی بشود، آرای دیگران را مطالعه می کند. سؤالات درباره ی این موضوع را جمع می کند، ابعاد موضوع را پیدا میکند، آن وقت خدمت قرآن می آید و این سؤالات را بر قرآن عرضه می کند.

حضرت امیر (علیه السلام) می فرمایند: «ذَلِك الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ» (۲)، یعنی کتاب خدا را به حرف در بیاورید، لذا کتاب خدا با شما حرف می زند. البته به این آسانی که قرآن با یک آدم صحبت نمی کند. خیلی باید با قرآن عجین بشود، خیلی باید خودش را پاک بکند و آماده بشود تا قرآن با او صحبت کند. آدمی که می خواهد تئوری به دست بیاورد، سؤالاتش را از اول آماده می کند، در محضر قرآن کریم حاضر می شود و از آیات قرآنی سؤال می کند و جوابش را می خواهد به دست بیاورد.

خود مرحوم شهید صدر مثلاً سؤالی مطرح می کند که مشکل اقتصادی انسانیت چیست؟ خب بعضی از متفکرین گفتند مشکل این است که طبیعت بخیل است. رشد انسان ها سریع تر از رشد طبیعت است. شهید صدر این سؤال را بر قرآن عرضه می کند و قرآن برعکس متفکرین می گوید که طبیعت بخیل نیست، ما هر آنچه شما نیاز دارید در طبیعت نهفتیم و ذخیره کردیم. مشکل از طبیعت نیست، مشکل در خود انسان است که هم ظلم در توزیع می کند و هم کفران نعمت می کند و نعمت ها را هدر می دهد. آیه ی شریفه ای که می فرماید «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا»، پس اشکال کجاست؟ «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَلُومٌ كَفَّارٌ». (۳)

هر کس به یک ایده ای از مرحوم شهید برسد، عاشق شهید می شود و به همین دلیل ما سراغ چنین شخصیتی رفتیم و نمی دانیم آیا توانسته ایم چیزی را به دست بیاوریم یا لیاقت این را نداشته ایم؟ شهید خیلی افق بالایی داشت، خیلی چشم انداز بالایی داشت و جداً من نمی توانم بگویم که من حتی شاگرد شهید هستم یا نیستم. چون شاگرد باید حداقل ابعاد تفکر را بداند و بشناسد، آیا ما توانستیم ابعاد این تفکر را به دست بیاوریم؟ نمی دانم.

تربیت دیگران یا تربیت مبلغان مطرح بود، درباره ی تربیت علما به صورت تربیت اصولی و تربیت فقهی اهتمام داشت، ایشان هم مربی اخلاقی و هم مربی علمی بود، مسأله ی تربیت به طور کامل در فعالیت های استاد شهید مشهود است.

نکته ی سوم مسأله ی عشق به الله و عشق به دین بود. ایشان فانی در خدای خودش و در دین خودش بود. به هیچ وجه دنبال منافع شخصی و امثال اینها نبود، دیدیم در زمان جوو و ظلم بعثی ها، آقای صدر حتی آماده شد که جان خودش را در راه نجات مؤمنین تقدیم خداوند متعال بکند. پس از پیروزی انقلاب با شکوه اسلامی آقای صدر واقعاً سر از پا نمی شناخت و شیدای این انقلاب و نتایج این انقلاب شد و معروف است که آقای صدر نامه نوشت به شاگردانش که «دوب بشوید در شخصیت امام خمینی، همچنان که او در اسلام دُوب شده است.» عشق به الله نتیجه ی آن اخلاصی است که ایشان داشت. شاید بتوانیم بگوییم این چهار ویژگی مهم ترین ویژگی های شخصیت مرحوم آقای صدر است، یکی نظریه پردازی، یکی عمق مباحث، یکی تربیت شاگردان و یکی اخلاص نسبت به خدای متعال.

از اولین آشنایی خودتان با شهید صدر بگویید، اینکه چگونه با شهید صدر آشنا شدید و چه خاطراتی در این آشنایی دارید؟

هر که از شهید ذکری بشنود، عاشق شهید می شود. ما هم تازه طلبه شده بودیم، تازه مقدمات را تا حدی تکمیل کردیم و وارد دانشکده ی معروف فقه نجف شدیم. با تفکرات مختلف آشنا که می شدیم، برای یک طلبه ای که می خواست هم بشناسد و هم خدمت کند، شخصیت مرحوم شهید مطرح بود. خصوصاً ما یک عشقی به خدمت داشتیم و در نتیجه ی اقداماتی با بعضی از تشکلات اسلامی رابطه برقرار کردیم، با «حزب الدعوة» رابطه برقرار کردیم، در تعلیمات و فرهنگی که این حزب داشت و اعضایش را تربیت میکرد، اولین و مهم ترین ایده، ایده های مرحوم شهید صدر بود.

بعد از آن که دانشکده را تمام کردیم و به مرحله ی توان استفاده از بحث های خارج رسیدیم، به طور طبیعی اولین جایی که باید می رفتیم، درس مرحوم شهید بود. نمی شد یک بار آدم خدمت شهید برسد و درسش را بشنود و عاشقش نشود. ما هم بحث های عالی فقه و اصول را شروع کردیم و با عشق هر چه تمام تر ادامه دادیم. شاید تقریباً یک دوره ی

می دهند بر اینکه آیا بشریت توانست ابعاد کتاب های الهی را اجرا کند؟ بنابراین شهید صدر بحث های تئوری مهمی مطرح می کنند.

اگر مرحوم آقای صدر به بحث های منطقی استقراء می رسد، بحث های عمیق استقراء همراه با مناقشاتی که منطقیون و علما داشتند را مطرح می کند تا به این هدف برسد که در قبال علما دو راه بیشتر وجود ندارد: یا اینکه ایمان به خداوند متعال داشته باشند، اگر بخواهند به علم ایمان داشته باشند، به خدا ایمان باید داشته باشند و اگر بخواهند به خدا ایمان نداشته باشند، به علم هم باید ایمان نداشته باشند زیرا نمی شود یک آدم به علم و قواعد علمی که بر اساس استقراء بنا می شود، ایمان داشته باشد ولی به خدا ایمان نداشته باشد.

شهید صدر هر مسأله ای و مطلبی که مطرح میکند، به سمت تئوری های مطرح در آنجا می رود، در بحث های اقتصادی، در بحث های تاریخی حتی تاریخ نظام های مطرح در جهان را به طور عمیق و مرتبط با سلسله های قبلی مطرح می کنند.

بنابراین در شخصیت شهید صدر اول مسأله ی نظریه پردازی، دوم مسأله ی جامعیت و سوم مسأله ی عمق مباحث مطرح است. تا زمانی که ریشه های مسأله را به دست نیاورد، تا زمانی که اشکالاتی بر نظریه مطرح نشود، مرحوم شهید موضوع را رها نمی کند تا اینکه به هدف برسد.

مسأله ی دیگر این است که بحث های ایشان بحث های اصیل اسلامی است. بحث هایی نیست که فقط اعتماد بر تفکر انسانی باشد، اعتماد بر تفکر انسانی است ولی بار ریشه گرفتن از قرآن و سنت شریف. این مسأله ی اصالت خیلی مهم است. یک نکته هم در اینجا مطرح است که در نظریه پردازی به آثار اجتماعی توجه دارند. دائماً وقتی که یک نظریه را مطرح می کنند روی آثار اجتماعی آن نظریه تمرکز می کنند تا این آثار اجتماعی منتج به یک محصول اجتماعی باشد و در مسیر بشریت مؤثر باشد. یکی از نکات درباره ی مرحوم آقای صدر مسأله ی مقاصدیت است، ایشان یک فقیه بزرگ و مقاصدی است، مقاصد نه به آن شکلی که مقاصدیون دیگر مطرح می کنند، یعنی یک عموماً مطرح کنند که هیچ اثری بر استنباط نداشته باشد بلکه ایشان مقاصد را آن چنان به دست می آورد که این مقاصد در استنباط احکام اثر می گذارد و یک ذوق فقهی منسجم با مقاصد برای بررسی همه ی ادله ی قرآنی و روایی پیدا می شود تا در استنباط اثر عملی داشته باشد، بنابراین نکته ی اول در شخصیت مرحوم استاد شهید، نظریه پردازی ایشان با همه ی ابعادش است.

نکته ی دوم این است که شخصیت ایشان، شخصیت مربی بود. در هر سخن، در هر جمله، در هر سخنرانی، در هر تألیف و در هر گونه فعالیت ایشان مسأله ی

به مناسبت ایام سالگرد شهادت شهید صدر، بخش فقه و معارف دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب در پرونده «متفکر نابغه» به معرفی ابعاد مختلف شخصیت شهید صدر می پردازد، در این پرونده گفت و گویی با آیت الله محمد علی تسخیری از شاگردان شهید صدر انجام شده که در آن شخصیت علمی و تفکرات انقلابی شهید صدر بررسی شده است.

ابتدا از ویژگی های شخصیتی و علمی شهید صدر بگویید، ابعاد شخصیتی ایشان را چگونه می بینید؟

بنده واقعاً خودم را خیلی عاجز و ناتوان می دانم که بتوانم درباره ی چنین شخصیت عظیمی صحبت کنم، ولی یک چند کلمه ای خواهم گفت. اولین مطلبی که متجلی می شود برای کسی که چنین شخصیتی و آثارش را مطالعه می کند، مسأله ی جامعیت و گسترش تحقیقات در علوم و فنون مختلف است. اگر بخواهیم این جامعیت را ترسیم کنیم، در حقیقت باید اشاره بکنم به بحث های فلسفی، علمی، اقتصادی، تفسیری، اصولی، فقهی و بحث های دیگر ایشان که این جامعیت کم نظیر است.

نکته ی دیگر مسأله ی نظریه پردازی است. در هر بحثی که مرحوم استاد شهید وارد می شود، مثل یک نظریه پرداز و مثل یک تئورسین وارد ابعاد موضوع می شود و ریشه های تاریخی آن موضوع و مقدمات علمی آن موضوع را به طور دقیق بیان می کند و بالاخره به یک تئوری و نظریه می رسد که این نظریه میتواند زیربنای بحث های بعدی بشود. اگر مثلاً به مباحث کلامی امامت می پردازند، در عمق امامت و امتداد نبوت و بر تأثیر امامت و نبوت در مسیر خلافت انسانی صحبت میکنند و نظریه خلافت و شهادت را تبیین میکنند.

این نکته خیلی جالب است و حتی اثری بر نظریه های دیگر خواهد داشت. وقتی مرحوم شهید صدر به این آیه ی شریفه می رسند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَخْضَعُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالزَّالِمُونَ وَالْأَخْبَارُ بِمَا اسْتَخْفَوْا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً» (۱) اینجا مسئله ی شهادت انبیاء و ائمه بر کل مسیر بشریت - نه در یک مقطع خاص - را بیان میکنند، مراحل این شهادت بدین ترتیب است که اول انبیاء شهید هستند، بعد اوصیا شهید هستند، بعد از این مرحله اخبار یعنی علما هستند، علما امتداد انبیاء و ورثه ی انبیاء هستند، علما هم شهید هستند. شهید اینجا به معنای شهادت الگو بر دیگران است و این شهادت هم خیلی ابعاد مفصلی دارد.

اگر اخبار را امتداد حرکت انبیاء و امامان بدانیم به طور کامل مسأله ی ولایت فقیه مطرح می شود. اینجا مقومات فقهی که ولی باشد مشخص می شود، خود آیه می فرماید «بِمَا اسْتَخْفَوْا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً». اینها امانت دار کتاب های خداوندی است و اینها شهادت

استفاده کردیم و پیشنهادهای به نویسندگان تدوین قانون اساسی تقدیم کردیم و به نظرم اثرات خوبی را گذاشت.

از شهید بهشتی که در تدوین قانون اساسی مسئول بودند نکته‌ای در مورد این جزوه‌ها شنیدید؟

نه من چیزی در این خصوص نشنیدم، ولی می‌دانم که شهید بهشتی و مرحوم شهید مطهری و خیلی از رهبران انقلاب و شاگردان امام به شهید صدر عشق می‌ورزیدند، من حتی معتقدم که آدم یک تطابق شبه کاملی بین تفکر شهید مطهری و شهید صدر پیدا می‌کند که نمی‌تواند بگوید کدامشان از دیگری گرفته‌اند، با اینکه همدیگر را شاید ندیده باشند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ایشان ملاقات داشتند و ایشان را تجلیل و تکریم کردند و پیام‌های جالبی درباره‌ی مرحوم شهید داشتند. اینها نشان می‌دهد کسانی که تحت رهبری مرحوم امام بودند یک تفاعل و رابطه‌ای با مرحوم آقای صدر داشتند.

چه توصیه‌ای به علاقمندان به تفکر شهید صدر دارید؟

من توصیه‌ام به کل طلاب جوان، چه شیعه و چه سنی این است که به سیر فکری و سیر مطالعاتی ایشان بپردازند، فکر ایشان را دقیقاً الگو قرار دهند. این حرکت می‌تواند ضامن رسیدن آنهایی که استعداد دارند به اهدافشان باشد.

هنوز با گذشت تقریباً چهل سال از شهادت شهید صدر، اندیشه‌ی ایشان را تازه می‌دانید؟

کاملاً، شما می‌دانید که در چند سال بعد از شهادت شهید، ما توانستیم در ایران یک اجلاس بزرگ جهانی برپا کنیم، این اجلاس از طرف سازمان فرهنگ و ارتباطات بود که آن موقع من رئیسش بودم. یک اجلاس عظیمی برپا کردیم و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیام دادند، ایشان در آن پیام از همه‌ی طلبه‌ها خصوصاً جوانان خواستند که ایشان را الگوی خودشان قرار دهند و به این شخصیت نزدیک بشوند.

من آرزو دارم همه‌ی محققین و مؤلفین فکر آقای صدر را بفهمند و بشناسند، البته شناخت فکر ایشان نیاز به دقت و تأمل دارد، مثلاً نظریه‌ی شبکه‌ی مالکیت‌ها را هرکس به آسانی نمی‌تواند بفهمد. بعد از آن برای ارائه‌ی این نظریه یا حتی تکمیل آن تلاش کنند. مرحوم آقای صدر درباره‌ی کتاب «اقتصاد ما» فرمودند یک نوع اجتهاد در شناخت مکتب اقتصادی اسلامی است، انتظار هم داشتند که یکی دیگر بیاید، شبیه این اجتهاد را در این زمینه بکنند، ولی متأسفانه ندیدیم هیچ متفکری در کل جهان اسلام، نه شیعه و نه سنی، این استنباط تئوری را یا یک تئوری دیگری را داشته باشد. علمای مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) یک گنج عظیمی دارند به نام شهید صدر، باید این گنج را بشناسند و به جهانیان بشناسانند.

فقه همه‌ی مذاهب را مرحوم شهید می‌دید و آن قاعده‌ای را که به دست می‌آورد، با در نظر گرفتن تفکر متفکران به دست می‌آورد- این یک انقلابی در ذهن و شخصیت ما شکل گرفت، خب این یک نمونه‌ای از تأثیر این کتاب است.

نمونه‌ی دیگر این است که خب می‌دانید وهابی‌ها با فقه شیعه مخالفند، ولی در یک دانشگاه سعودی مجبور شدند کتاب «اقتصاد ما» را برای شناخت مکتب اقتصادی اسلام درس بدهند. یا نامه‌ای هست از یکی از متفکرین عرب به نام «زکی نجیب محمود»، که نامه‌ای به مرحوم آقای صدر می‌نویسد و میگوید «وصلنتی الانجم الثلاث فی الفكر العربی» سه ستاره‌ی درخشان در ایده‌های عرب یعنی مقصود سه کتاب اقتصاد ما، فلسفه‌ی ما و تئوری منطقی استقراء ما به رسیده است، از این کتابهای شهید صدر به عنوان سه ستاره‌ی تفکر عرب تعبیر و تشکر می‌کرد.

قصه‌هایی از این قبیل نشان می‌دهد که اگر خوب کار می‌کردیم یا حتی خوب کار نکنیم می‌توانیم فکر مرحوم آقای صدر را به عنوان یک فکر سازنده‌ی عظیم به جهان اسلام ارائه بدهیم.

آیا در فضاهای غیر اسلامی و اروپایی ارتباطی با تفکر شهید صدر وجود دارد؟

بله، مثلاً ترجمه‌هایی که از کتاب مرحوم شهید در ژاپن توسط یک استاد غیر مسلمان انجام شده است یا ترجمه‌هایی که در اروپا انجام گرفته است، البته به نظر بنده این ترجمه‌ها خیلی کم است، باید به زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه کنیم، ولی همین که اقبال به ترجمه‌ی کتابهای «اقتصاد ما» و «فلسفه‌ی ما» شده است، معنایش این است که تقدیر شده است و عظمت علمی این کتاب‌ها را متفکرین جهان به دست آورده‌اند.

یکی از سؤالات خیلی مهم نقش شهید صدر در انقلاب ایران هست و ارتباطی که ایشان و شاگردان ایشان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران دارند، در این زمینه اگر نکته‌ی خاطراتی دارید بفرمایید.

مسأله‌ی عشقِ مرحوم شهید صدر به مرحوم امام کاملاً نمایان بود. شاگردانش را تشویق می‌کردند که به درس حضرت امام بروید، خودشان خیلی برای ملاقات امام اهمیت قائل بودند و ارتباطشان قوی بود ولی این عشق زمانی بیشتر نمایان شد که انقلاب اسلامی ایران پیروز شد، واقعاً مرحوم آقای صدر در مسأله‌ی تأیید انقلاب و تشویق دیگران به تأیید انقلاب سراز پا نمی‌شناخت. وقتی که مسأله‌ی قانون اساسی مطرح شد، چند جزوه برای هدایت نویسندگان قانون اساسی نوشته‌اند که حالا هم هست. در واقع مسأله‌ی عشق است. اصلاً نامه نوشتند به امام که من مرجعیتم - آن وقت مرجع بودند، شاید نصف عراق مقلدش بودند - و همه‌ی امکاناتم را در خدمت رهبریت شما قرار می‌دهم، هر چه می‌فرمایید من انجام می‌دهم. این دلالت دارد بر عشق مرحوم شهید به حرکت انقلابی امام.

آن جزوه‌ها در قانون اساسی تأثیر هم داشت؟

ما که شاگردان بودیم، از آن جزوه‌ها

متأسفانه بعضی‌ها کنترل کردند و نگذاشتند آثار قیام شهر نجف به شهرهای دیگر برود. لکن آن حرکت بعضی‌ها و اثر حرکت مردم در دل‌ها نهفته شد که بعداً به شکل انتفاضه‌های دیگر درآمد.

نقش شهید صدر در آن انتفاضه‌ی نجف چه بود؟

شهید صدر شاخص حرکت انقلابی بود. شهید صدر چه بخوایم و چه نخواستیم رهبر کل این نهضت‌ها بود، بعضی‌ها می‌فهمیدند که محرک اصلی رهبر است، هر حرکتی که در نجف انجام می‌گیرد، هر آگاهی‌ای که به توده‌ها داده بشود از ناحیه مرحوم آقای صدر بود و لذا هی تضییقات می‌کردند و مدتی محدود کردند، مدتی ملاقاتش را تحریم کردند و ایشان را محاصره کردند. بالاخره مرحوم شهید را خود صدام به دست خودش با هزار شهید دیگر و خواهر مظلومه‌اش در بغداد، به دست خودش و در اتاق خودش اعدام کرد.

اینکه می‌فرمایید در انتفاضه نجف شهید صدر محور بود، در زمانی است که شهید صدر از لحاظ سنی حدود چهل سالگی و کمتر بوده‌اند و در همان زمان شخصیتی مثل آیت‌الله حکیم بودند و مرجعیت داشتند، همین‌طور آیت‌الله خویی و آیت‌الله شاه‌رودی بودند و بزرگان دیگر از مراجع حضور داشتند، اما چه شد که شهید صدر این جایگاه را پیدا کرد؟

علت، فکر انقلابی شهید صدر بود، شهید صدر سالی که اعدام شد، ۴۸ سال داشت یعنی هنوز جوان به حساب می‌آمد، ولی حتی مراجع آن روز به ایشان عشق می‌ورزیدند. از مرحوم آیت‌الله العظمی خویی نقل شده که به ایشان گفتند شهید حزب دارد، آقای خویی فرمود که من هم عضو آن حزب می‌شوم. یعنی شخصیتی بود که هر کس بشنود یا ببیند یا بخواند عاشقش می‌شود. شهید صدر به عنوان یک منبع آگاهی و یک منبع تحرک انقلابی به حساب می‌آمد. ایدئولوگ انقلاب بود، نه فقط آن زمان تابع او بودند بلکه تفکرات مرحوم شهید صدر می‌تواند در جهان، سازنده‌ی حرکت انقلابی برای کل توده‌ها باشد.

با توجه به مسئولیتی که در انقلاب اسلامی و همچنین ارتباطات بین المللی‌ابی که داشتید، از نقش بین‌المللی شهید صدر و تأثیرات شهید صدر در جنبش‌های مختلف یا در فضاهای علمی مختلف بفرمایید.

ما واقعاً کوتاهی کردیم، دنبال شناخت این نقش نرفتیم. ولی چند بارقه‌ای هست که نشان می‌دهد ایشان نقش عظیمی داشتند. شما ملاحظه کنید یکی از متفکرین بزرگ اقتصاد اسلامی امروز دکتر احمد محمد علی، رئیس بانک توسعه‌ی اسلامی که بزرگ‌ترین بانک جهان اسلام است، خودش می‌گفت آن روز دانشجو بودیم، همین که کتاب «اقتصاد ما» به دست ما آمد و خواندیم، اصلاً یک انقلابی در وجود ما و در تفکر ما به وجود آمد، ما خودمان هم تردید داشتیم آیا اقتصاد در اسلام هست؟ مکتب اقتصادی هست؟ وقتی که شهید با این حرکت مستدل و علمی و تقریبی این کتاب را نوشت، تقریبی یعنی فقط فقه شیعه نبود،

از آن ایام آشنایی با شهید صدر خاطراتی دارید؟

یکی از خاطرات این است که شیعیان سعودی از مرحوم شهید خواستند که یک فردی از طرف شهید پیش آنها بیاید و این یک توفیقی برای من شد که استاد شهید دستور داد که بنده «احساء» و «قطیف» بروم و ماه‌ها آنجا درس بدهم، الحمدلله خیلی موفق شدیم که جوانان آنجا را توجیه و آگاه کنیم.

یکی از خاطرات این است که یک روز ایشان فرمود که شما به عنوان نمایندگی ما برای هدایت جوانان به لندن بروید، من خدمتشان عرض کردم هنوز درس را تکمیل نکرده‌ام، اگر اجازه بدهید من یک مقدار به یک جایی برسم که بتوانم خودم را نگه بدارم و تغذیه کنم؟ ایشان قبول کردند و ماندم.

روزی که بعضی‌ها می‌خواستند ایرانی‌ها را از نجف با خانواده‌هایشان اخراج کنند، جد آن روز، روز عزای مرحوم شهید صدر بود حتی تا مرحله‌ی گریه رسیده بودند و بعداً به این نتیجه رسیدند که شاگردان بمانند، ولی چون من یک شرایط خاصی داشتم، تازه از زندان اعدام نجات یافته بودم، به من اجازه دادند که ایران بیایم.

یک بار یک تفسیر جیبی خوبی منتشر شد، مرحوم آقای صدر از آن تفسیر خوش آمد و به دو نفر از شاگردانش دستور دادند که یک تفسیر جیبی آماده کنید، یعنی یک صفحه قرآن باشد و یک صفحه تفسیر باشد، ولی تفسیر جامع الاطراف باشد، فقط کلمات را تفسیر نکنند، بر اساس روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد. بنده و برادر من حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای نعمانی را مکلف کردند که این تفسیر را انجام بدهیم، ما تقریباً در طول ۳۰ سال توانستیم این تفسیر را تکمیل کنیم و به نام «المختصر المفید فی تفسیر الکتاب المجید» منتشر شد.

در مورد زندانی شدن که فرمودید، ماجرای انتفاضه‌ای بود که حزب الدعوة هم در آن نقش داشت و شما را حزب بعث گرفت و مدتی زندان بودید و تحت شکنجه قرار گرفتید، مقداری در این باره توضیح دهید.

من آن زمان عضو «حزب الدعوة» بودم ولی این حرکت را حزب نکرد، ما می‌خواستیم توده‌های مردم در عراق را آگاه و تحریک کنیم، مخصوصاً در نجف چون نجف مانند قم در ایران بود، اگر نجف به تحرک می‌پرداخت، اثراتش در کل عراق آشکار می‌شد. برای دسته‌جانی که در نجف بر پا می‌شود، شعر مؤثر درست کردیم - در زمان بیماری مرحوم آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم بود- این شعر خیلی مردم را تشویق کرد، حس حماسه‌ی مردم را به حرکت درآورد و بر علیه بعضی‌ها قیام کردند. قیام نجف باعث شد تقریباً کل بعضی‌ها را از صحن و مراکزشان راندند و نزدیک بود بعضی‌ها کنترل نجف را از دست بدهند، حتی می‌خواستند با تیراندازی مردم را ساکت کنند که نشد، حتی به گنبد حرم شریف حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تیراندازی کردند. امید داشتیم که این نهضت اثر بگذارد، ولی

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سرمدیر: سید محمود خسروشاهی
نشانی: قم / خیابان شهدا (مفانیه) / نبش ممتاز
تلفکس: ۱۴۲۳۱۴۲۳ / صندوق پستی: ۱۳۶

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

خود شما آسیب نرساند. این مراقبت‌ها همان چیزی است که در ادبیات قرآنی و اسلامی اسمش تقوا است؛ تقوا یعنی همین؛ یعنی انسان دائم مواظب خودش باشد، مراقب خودش باشد. اگر این مراقبت شد، تأثیر شیطان، نفوذ شیطان کم می‌شود، تیغ شیطان کند می‌شود؛ اگر این مراقبت نشد و غافل شدید، می‌افتیم دست شیطان و هر کاری خواست با ما میکند؛ مثل جسم بی جانی یا بیهوشی که بیفتد دست یک آدم هوشمند؛ به هر طرف بخواهد، آن را برمیگرداند؛ اگر غفلت کردیم، شیطان با ما این کار را میکند. شیطان در نماز هم می‌آید، شیطان در طواف هم می‌آید، شیطان در دعا هم می‌آید، شیطان در حال توشل هم می‌آید؛ خیلی باید مراقب بود. به هر حال ما از زحمات برادران و خواهرانی که در جمکران مشغول زحمت هستند. ان شاء الله خداوند به همه‌ی شما کمک کند، تأییدتان کند. و شما که آنجا هستید، برای ماها هم دعا کنید؛ دعا کنید خدای متعال به ما هم توفیق بدهد که توشل پیدا کنیم، تضرع پیدا کنیم، ما هم حال خشوع و تضرع را ان شاء الله داشته باشیم. والسلام علیکم ورحمة الله

قوام حیات معنوی انسان به تذکر و توسل و خشوع و ذکر است

توفیق پیدا نکردیم برویم مسجد جمکران؛ رایج نبود، متداول نبود، دل‌ها این جور مجذوب و کنده شده‌ی به سمت معنویات نبود؛ حاکمیت، حاکمیت فضای معنوی نبود. این بود که یک مرکز به این عظمت، به این قداست - که مورد توجه بزرگان بوده است، مورد توجه رجال الغیب و عباد الله و ابناء الله بوده - این جور از چشم مردم در واقع پنهان بود و کسی توجهی نداشت. بزرگان علما اینجا می‌آمدند، زیارت می‌کردند، [از جمله] مرحوم فیض کاشانی رضوان الله تعالی علیه. فرزند ایشان، مرحوم علم الهدی رضوان الله علیه یک جایی مینویسد که من در خدمت پدرم آمدم مسجد جمکران را زیارت کردیم و اینجا بودیم.

اهل معنا و اهل توجه و تذکر، دل‌داده‌ی به این محل بودند لکن توده‌ی مردم، عامه‌ی مردم، حتی ما طلبه‌ها بی توجه بودیم، غافل بودیم. یکی از عیوب حاکمیت دستگاه‌های سیاسی غیر دینی و غیر معنوی همین غفلت است؛ مردم از ارزش‌هایی که دم دست آنها است و میتوانند استفاده کنند غافل می‌مانند. وقتی حاکمیت مسلط بر جامعه و محیط بر جامعه، یک حاکمیت معنوی بود، الهی بود، دینی بود، یک خاصیت طبیعی آن همین است که معنویات رواج پیدا میکند، جلوی چشم قرار می‌گیرد، دل‌ها به طرف آن جذب می‌شود؛ این چیزی است که امروز اتفاق افتاده. نه اینکه امروز گناه نیست، نه اینکه آدم بد وجود ندارد و آدم بی توجه و غافل وجود ندارد؛ چرا، لکن فرق است بین اینکه فضای عمومی جامعه،

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR به مناسبت عید نیمه‌ی شعبان متن کامل بیانات رهبر انقلاب در جمع خدمتگزاران مسجد مقدس جمکران در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۶ را منتشر کرد که به این شرح است:

جمع خدمتگزاران مسجد مقدس جمکران در اینجا تشریف دارند. به نظر ما یکی از توفیقات بزرگ الهی، خدمت در مسجد مقدس و مبارک جمکران است. کسانی که این توفیق را پیدا کرده‌اند، چه برادران، چه خواهران، این نعمت را، این خدمت را باید قدر بدانند.

قوام حیات معنوی انسان به تذکر و توسل و خشوع و ذکر است که در مساجد الهی، در جایگاه‌های عبادت، برای انسان فراهم است، مخصوصاً آن مراکز و مساجدی که اثری و نشانه‌ای از اولیاء الله در آنها هست. جایی که انسان میداند یا ظن به این دارد که مورد توجه اولیای الهی است، طبعاً معنویت آن مکان بیشتر است و مسجد مبارک جمکران جزو این گونه جایگاه‌ها و مراکزی است که توجه به خدای متعال و تذکر و خشوع و تضرع در آن برای انسان فراهم‌تر است.

خوشبختانه امروز این مرکز مورد توجه مردم است؛ قدیم این جور نبود. سال‌هایی که ما در قم بودیم، شبهای چهارشنبه یا شبهای جمعه یک تعداد معدودی از افراد می‌رفتند در همان مسجد که یک محل کوچک محدودی بود، زیارتی میکردند و خیلی بندرت کسانی در آنجا می‌ماندند؛ خیلی محدود بود. خود ما که چند سال در قم بودیم، چند مرتبه بیشتر

حجت الاسلام مختاری: همه مذاهب اسلامی مهدویت را قبول دارند

مشتقان معارف قرآن و اهل بیت و صحابه بزرگوار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در جهان شده است. همه ما باید آتش نفرتی را که اکنون در بخش‌هایی از جهان اسلام برافروخته شده است را با قلم و بیان و مال و جان خود خاموش کنیم. علماء و اندیشمندان جهان اسلام برای تحقق جامعه مهدوی باید در خط مقدم صلح و برادری اسلامی باشند و اجازه ندهند که بی خردان تخم نفرت را در میان برادران دینی بگسترانند. زیرا اصلاح جامعه با معجزه صورت نمی‌گیرد. مردم باید پیام حق را یاری دهند تا پیروز شود چنانکه صبر و تلاش و عقلانیت خوبان سبب پیروزی انبیای الهی بر بدخواهان شد: «وَكَانَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِثْيُونٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»؛ چه بسیار پیامبرانی که خداپرستان فراوانی در کنارشان جنگیدند؛ و در مقابل دشواری‌هایی که در راه خدا به آنها می‌رسید، ضعف نشان ندادند و تن به زبونی و تسلیم ندادند؛ و خدا پایداران را دوست می‌دارد». (آل عمران ۱۶۶) بنابراین، بیایم تا با تمام وجود حول محور ثقلین برای تحقق جامعه مهدوی که نهایت آمال و آرزوی همه خوبان عالم بوده است تلاش نماییم.

است و در قامت کارگردان هستی بستر فیض و رزق عالم هستی است: «بیمه رزق الوری» و ثالثاً: متعلق به قوم و آیین خاصی نیست بلکه بارانی است که بر همگان می‌بارد و پدری مهربان است که مایه آرامش بشریت است چنان که خود آن حضرت (عج) فرمود: «وَإِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ» من مایه آرامش و امنیت زمینیان هستم، همانگونه که ستارگان آسمان باعث امنیت آسمانیان هستند». با این بیان، نیمه شعبان عید بشریت است. البته جهان اسلام وظیفه سنگینی در معرفی چهره رحمانی حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) به جهانیان دارد. یکایک ما باید همانند آن حضرت، مایه امنیت و آرامش بندگان خدا باشیم. همگان باید مراقب قلم و بیان خویش باشند تا خواسته یا ناخواسته آرامش ملت و مذهبی را سلب نکنند زیرا تنها کسانی فرزندان حضرت مهدی (سلام الله علیه) محسوب خواهند شد که همچون آن حضرت پدری مهربان برای بشریت باشند و از سخنان آتش افروز که تنها مایه تحکیم سلطنت شیطان است بپرهیزند.

حقیقتاً امروز، چشم دنیا به بیان و قلم اهل اسلام دوخته است زیرا تبلیغات مسموم دشمنان سبب نگرانی سیل

«المنار المنیف»؛ ۳. دانشمندان حنفی مانند: ابن جوزی در «تذکرة خواص الامة فی خصائص الائمة»؛ ابن طولون در «الائمة الاشاعة»؛ عبد الوهاب شعرانی در «البیواقیت و الجواهر»؛ قندروزی در «ینایع المودة»؛ آلوسی در «غایة الموعظ» و ۴. دانشمندان مالکی مانند: الصبان در «اسعاف الراغبین» و الکتانی در «نظم المتناثر» در کتب مستقل یا در ضمن کتب روایی و تفسیری به وضوح و بطور گسترده به بحث مهدویت و ظهور منجی پرداخته اند.

امامیه نیز همراه با همه ادیان و فرق عالم، معتقد به ظهور منجی است و مانند بسیاری از اهل سنت معتقد است که منجی عالم بشریت مردی از نسل آخرین پیام آور صلح و راستی است که وعده حاکمیت دین بر پهنه هستی را محقق می‌سازد چنانکه قرطبی در تفسیر آیه ۳۳ سوره توبه، زمان تحقق این وعده را بنا بر قولی منطبق بر زمان حضرت مهدی (علیه السلام) دانسته و می‌نویسد: «و ذاك عند خروج المهدي... و قد تواترت علی أن المهدي من عتره رسول الله صلی الله علیه و سلم».

از نکات برجسته درباره موعود اسلام آن است که اولاً: موعود منتظر از ساله انبیاء و در امتداد سیر خلافت الهی است؛ «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً». ثانیاً: هم اکنون زنده

حجت الاسلام والمسلمین «محمد حسین مختاری»، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در یادداشتی به مناسبت فرا رسیدن نیمه شعبان به بررسی مساله ظهور منجی (عج) پرداخته است. در ادامه متن این یادداشت تقدیم حضورتان می‌شود:

ظهور منجی (عج) مسئله‌ای جهانی است و همه ادیان و مذاهب به نوعی منتظر ظهور یک تسلی دهنده هستند. بوداییان منتظر «میتیره»؛ هندوها منتظر «کلکی، نابودگر پلیدی»؛ زردشتیان منتظر «سوشیانت»؛ یهودیان منتظر «ماشیح» و مسیحیان منتظر «مسیح» هستند.

در جهان اسلام نیز هیچ مذهبی نیست که معتقد به موعود نباشد و همه مذاهب اسلامی در قالبی خاص مهدویت را قبول دارند. چنان که: ۱. دانشمندان شافعی مانند: طلحة الشافعی در «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول»؛ کنجی شافعی در «البیان فی اخبار صاحب الزمان»؛ ابن کثیر در «النهاية فی الفتن و الملاحم»؛ تفتازانی در «شرح المقاصد»؛ سیوطی در «العرف الوری فی اخبار المهدی» و هیتمی در «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» و «الصواعق المحرقة» ذیل آیه دوازدهم؛ ۲. دانشمندان حنبلی مانند: امام احمد حنبل در مسند در ضمن ۱۳۶ حدیث؛ جوزیه در